

# جریان‌شناسی معرفتی - دینی در بین‌الملل معاصر:

## چارچوبی منطقه‌ای - فرهنگی

حمید طالب<sup>۱</sup>

### چکیده

معرفت و آگاهی دینی به‌ویژه در عصر افول نسبی هژمون آگاهی سکولار، اهمیت یافته است. اثرگذاری معرفت دینی نخبگان بر آگاهی افراد یا امتداد اجتماعی معرفت دینی در بافت‌های متنوع فرهنگی، «جریان‌های معرفتی - دینی» متفاوتی را به وجود آورده است. در چنین بافت‌های متنوعی که معارف دیگری نیز جریان دارند، تقویت هویت و ارزش‌های دینی دغدغه اصلی متولیان دین و دین‌داران است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که «در جهان تحولات پیچیده و گسترده کنونی، تحلیل جریان‌های معرفتی - دینی (جریان‌شناسی)، با کدام اصول، مفاهیم و معیارها امکان‌پذیر است؟». در این مقاله برای پاسخ به این پرسش، با بررسی انتقادی و تحلیل روندها، مفاهیم و نظریه‌های مهم در حوزه جامعه‌شناسی بین‌الملل معرفت و مطالعات جهانی دین، برای جریان‌شناسی، سرفصل‌ها یا چارچوبی منطقه‌ای - فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جریان‌شناسی، جریان‌های معرفتی - دینی، جامعه‌شناسی معرفت، رویکرد فرهنگی، حوزه عمومی، بین‌الملل فرهنگی معاصر.

---

۱. دکتری مطالعات ادیان و پژوهشگر.

## مقدمه

دین و دین‌داری در طول تاریخ، تحولاتی را پشت سر گذاشته است. اما مهم‌ترین تحول دین در دوران معاصر رخ داده است. در این دوران برای نخستین بار، امور غیردینی در ذهن و زندگی انسان بسیار پررنگ و برجسته شدند و در نتیجه مسائل و پرسش‌های جدیدی مطرح شد. اکنون پرسش مهم پیش روی معرفت و آگاهی دینی، آن است که «چگونه باید با دنیای طبیعی، متکثر و متغیر کنونی مواجه شود؟» و به عبارت دیگر، «دین که در فراطبیعت و وحدت ریشه دارد، چگونه باید با این جهان مادی و متکثر ارتباط برقرار کند؟». در عصر حاضر، جریان‌های معرفتی - دینی در بافت‌های جغرافیایی - فرهنگی<sup>۱</sup> مختلف، به شیوه‌های متنوعی به این پرسش پاسخ می‌گویند.

کوشش جدی دین‌داران برای پاسخ‌گویی به پرسش فوق، موجب شده که معرفت دینی از نظر اثرگذاری عینی بر فرد و جامعه اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. جریان‌شناسی معرفتی-دینی را می‌توان شیوه‌ای برای فهم بازتاب معارف دینی در آگاهی افراد و جامعه دانست. هویت‌های فردی و مسائل خاص اجتماعی عرصه‌ای، برای انعکاس و رشد و گسترش معارف دینی هستند. هویت‌های فردی و مسائل خاص اجتماعی در بافت‌های مختلف فرهنگی ظاهر می‌شوند. از این منظر، ابعاد فرهنگی دین اهمیت زیادی دارند و از آنجا که در بررسی پدیده‌های فرهنگی، تفسیر و تحلیل مداوم و حتی مشارکت پویای پژوهشگر با پدیده‌ها اهمیت دارد، پیچیده‌گی‌ها و متغیرهای بسیاری را باید در نظر گرفت. بعلاوه اگر پدیده‌های فرهنگی در عرصه بین‌الملل مد نظر باشند، محیط‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار متنوعی پیش روی پژوهشگر قرار می‌گیرد. با توجه به این واقعیت‌ها می‌توان گفت که جریان‌های فکری در جهان بسیار پیچیده و متکثراند. بنابراین برای جریان‌شناسی در محیط ارتباطات معرفتی در عصر حاضر، باید نوع نگاه و سطح تحلیل را به دقت مشخص و محدود ساخت.

پژوهش‌هایی که تاکنون تحت عنوان جریان‌شناسی دینی در کشور انجام شده است، دو اشکال اساسی دارند. نخست اینکه در بستری بین‌الملل به جریان‌ها پرداخته‌اند و دوم اینکه

برای بررسی، فهم و دسته‌بندی جریان‌های دینی و درک ارتباط آنها با یکدیگر، در یک فضای کلی‌تر ارتباطات معرفتی، معیارهای مشخصی ارائه نکرده‌اند.<sup>۱</sup> یکی از دلایل اصلی این نقص آن است که تا کنون نگاه فرهنگی به شکلی نظام‌مند کمتر مورد توجه قرار گرفته و فرض شده است که می‌توان برای گسترش اثرگذاری فرهنگی - معرفتی از مفاهیم و روندهای سیاسی بهره برد. پس کار بومی در این زمینه نداریم و در نتیجه «بین‌الملل فرهنگی» تحت سیطره‌ی مدل‌ها و نگاه سیاسی به «دیگری» قرار دارد.

به نظر می‌رسد لازمه جریان‌شناسی علمی آن است که سطح تحلیل و زمینه‌هایی برای توصیف وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده جریان‌ها و در نهایت تجویز شیوه تعامل با آنها ارائه گردد. از این رو اگر تنها شخصیت‌ها یا افراد اثرگذار و جریان‌ساز جریان‌ها را برجسته کنیم (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۴)، تنها به محیط و منطقه‌ی خاص جغرافیایی درون مرزی توجه کنیم و به روندهای مشابه در دیگر بافت‌ها توجه نکنیم (فراستی ۱۳۷۸، خسروپناه ۱۳۸۹)، جریان‌ها را صرفاً ایده‌ها و افکار شخصیت‌های متولی دین در نظر بگیریم (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۴) به اهداف مورد نظر یک جریان‌شناسی علمی دست نخواهیم یافت. به‌طور کلی «جریان‌شناسی» تا کنون:

۱. با هدف برآورده کردن نیازهای یک نهاد سیاسی تعریف شده است؛
۲. بیشتر بررسی مکاتب فکری و عقیدتی را پوشش داده است؛
۳. در حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی قرار داشته است؛
۴. جریان‌های معرفتی - دینی را در سطح بین‌الملل در نظر نگرفته است؛
۵. ربط و نسبت میان جریان‌های مختلف را با یکدیگر ترسیم نکرده و یک پازل بین‌الملل فرهنگی را شکل نداده است.

از این رو به یک جریان‌شناسی علمی نیاز است که در آن، به وضعیت جامعه جهانی و فرهنگ در عصر حاضر توجه می‌شود؛ همچنین تغییر هویت‌ها، مرزبندی‌های فرهنگی و

---

۱. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: میرسلیم، سیدمصطفی (۱۳۸۶) جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران؛ جعفریان، رسول (۱۳۸۶) جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی-سیاسی ایران؛ شعبانی، رمضان (۱۳۸۹) جریان‌شناسی سیاسی-فرهنگی ایران، بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷) روشنفکران ایرانی و غرب؛ نصری، عبدالله (۱۳۹۴) گفت‌وگو با مدرنیته: نگاهی به برخی جریان‌های فکری معاصر ایران؛ وحدت، فرزین (۱۳۸۲) رویارویی فکری ایران با مدرنیته؛ خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹) جریان‌های فکری ایران معاصر.

دیگری در عصر جهانی شدن اهمیت دارند؛ و نیز در این جریان‌شناسی، واقعیت‌های اجتماعی دین‌داری در عصر گذر از ایده‌های سکولاریستی (عصر پساسکولار) مورد توجه هستند و واقعیت‌های حوزه روابط بین‌الملل و سیر تکون نظریه‌ها در این حوزه (از رئالیسم و نئولیبرالیسم با محوریت اقتصاد و ماده به سوی سازه‌گرایی با محوریت هویت و فرهنگ) و بازگشت دین و فرهنگ به این حوزه بسیار مهم‌اند.

ایده اصلی در این مقاله آن است که شکل انتزاعی و ایده‌پردازانه معرفت تنها در سطح مشخصی از تحلیل و به شکلی عینی‌تر تنها در قالب مفاهیمی همچون هویت، هنجار و سوگیری‌های اجتماعی، معنادهی به زندگی، حل مسائل اجتماعی و جهان‌بینی ظهور می‌یابد. با توجه به اینکه چنین رویکردی حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی را درگیر می‌کند، فعالیتی میان‌رشته‌ای را مطالبه می‌کند. اما از آنجا که تا کنون مفاهیم و مشخصات اصلی آن به شکلی منسجم مطرح نشده است، هدف اصلی این مقاله ترسیم یک چارچوب مفهومی (جغرافیایی-فرهنگی) است تا براساس آن مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های جریان‌های معرفتی-دینی روشن گردند.

براساس این چارچوب مفهومی، به جای ارائه سرفصل‌ها و مؤلفه‌هایی کلی که در نهایت و در بهترین حالت بررسی مکانیکی، صوری و ظاهری جریان‌ها را نتیجه می‌دهد و یا ترسیم جداول و ماتریس‌هایی که جریان‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند، کوشش شده مهم‌ترین ویژگی‌های متمایز جریان‌های معرفتی-دینی در جهان معاصر از منظری جغرافیایی-فرهنگی مشخص شوند. این ویژگی‌ها کمک می‌کنند پدیده‌های فرهنگی، معرفتی و به‌طور خاص ایده‌ها، افکار یا معرفت‌های دینی در بستر تحولات خاص اجتماعی حوزه‌های جغرافیایی متنوع درک شوند و ربط و نسبت هریک از آنها با دیگری، چه در عرصه محلی و چه در برابر مسائل و روندهای فرهنگی جهانی، روشن و برجسته شوند.

برای پاسخ به این پرسش که «در جهان تحولات پیچیده و گسترده کنونی، بهترین چارچوب مفهومی برای فهم و تحلیل جریان‌های معرفتی-دینی (جریان‌شناسی معرفتی-دینی) کدام است؟»، نخست باید روشن گردد که «مفاهیم و رویکردهای مهم مرتبط با جریان‌شناسی براساس نیازها و محیط‌های متنوع بین‌الملل کدامند؟» و سپس شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و

سرفصل‌های مهم بررسی «جریان‌ها» در «مناطق فرهنگی» جهان در نظر گرفته شوند. برای پاسخ به پرسش‌های فوق، ابتدا در بخش نخست، «جریان‌شناسی معرفتی-دینی»، به سوژه یا موضوع اصلی پژوهش و مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازم. بخش دوم تحت عنوان «بین‌الملل فرهنگی معاصر» به بستر تحلیل و میدان عمل جریان‌ها اختصاص دارد، به این منظور تحولات خاص اجتماعی، فرهنگی و دینی در جهان معاصر بررسی شده است. در نهایت در بخش سوم، شاخص‌ها، ابزارها، مؤلفه‌ها و سرفصل‌های مهم در بررسی جریان‌ها در سطوح مختلفی از انتزاع معرفتی و تعریف گردیده است.

### ۱. جریان‌شناسی معرفتی - دینی

جریان یا همان موضوع جریان‌شناسی، عبارت است از «پدیده اجتماعی معرفت». اینجا با دوگانه معرفت/آگاهی مواجه هستیم. معرفت در سطح نخبگان، نمودهایی در سطح آگاهی عموم افراد دارد. پس موضوع جریان‌شناسی عبارت است از معرفت، به لحاظ ارتباط آن با آگاهی افراد برای فهم، تفسیر یا روایت رویدادها و مسائل مهم زندگی اجتماعی. میان جریان و گفتمان از یک سو و جریان‌شناسی و تحلیل گفتمان از سوی دیگر تمایز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان‌ها، محوریت مؤلفه قدرت در آنهاست. البته نفوذ و گسترش جریان‌های معرفتی-دینی را بدون توجه به مؤلفه قدرت نمی‌توان بررسی کرد اما در تحلیل جریان‌شناسانه، بخصوص با رویکرد فرهنگی، بیشتر به جذابیت‌ها و اثرگذاری‌های خود ایده‌ها به جهت حل مسائل اجتماعی، معنابخشی و هویت‌سازی توجه می‌شود.

جریان‌شناسی معرفتی-دینی پژوهشی میان‌رشته‌ای در جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و دین‌شناسی است که به دنبال شناسایی جریان‌های دینی در سطوح مختلف جامعه، ریشه‌های شکل‌گیری و تحول آنهاست. برای تعیین دقیق چیستی جریان‌شناسی معرفتی-دینی لازم است مقصود از جریان و جریان‌شناسی، معرفت، آگاهی و دین مشخص شود و مرز آنها با دیگر پدیده‌ها و مفاهیم روشن گردد. اما پیش از بررسی تک تک این مؤلفه‌ها لازم به ذکر است که دوگانه ارزش/واقعیت به شکلی معنادار تمامی مؤلفه‌های مهم «جریان‌شناسی معرفتی-دینی» را در کنار یکدیگر قابل فهم می‌سازد. به‌طور خلاصه،

جریان‌های معرفتی-دینی، حاصل تلاقی ارزش‌ها و معارف دینی با یک واقعیت مشخص عینی و اجتماعی هستند. این دوگانه برای فهم هر یک از مؤلفه‌های مهم جریان‌های معرفتی-دینی نیز راه‌گشاست که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

### ۱-۱ دین و دین‌داری

دوگانه ارزش/واقعیت در فهم مؤلفه‌ی دین نیز راه‌گشاست. با محوریت جریان‌شناسی، به تعریفی از دین در حوزه جامعه‌شناسی معرفت توجه می‌کنیم که در آن اولاً به جنبه‌ی ارتباطی دین و به مرز میان دین و غیر دین در عصر حاضر توجه می‌شود، و دیگر اینکه دین را در قالب منبع سوگیری شناختی، هنجاری و اخلاقی انسان در جامعه در نظر می‌گیرد. نخست اینکه در جهان معاصر، انواع معارف با یکدیگر در حال رقابت هستند. جهان‌بینی دینی کل‌نگر را نه تنها معرفت سکولار و نظام‌های اخلاقی غیردینی بلکه دیگر ادیان نیز به چالش کشیده‌اند. در عصر حاضر عموماً «دین نظامی در میان بسیاری از نظام‌های اجتماعی است». در بسیاری از جوامع، دین کوشیده است به لحاظ عملیاتی مستقل از دیگر نظام‌ها همچون دولت، آموزش، اقتصاد، و حقوق گردد و این باعث می‌شود به شکل صریح از باقی جامعه جدا و منحصر به فرد گردد. همچنین نظام جهانی ارتباط دینی، انواع ادیان را در خود جای داده که هر یک هویت‌های خود را از برنامه‌ها و عرف‌ها و قواعد بسیار متفاوت اخذ کرده‌اند. بنابراین ادیان عمده جهانی، مسیحیت، اسلام، هندوئیسم، یهودیت و بودیسم برنامه‌های دینی متفاوتی هستند که الگوهای به نسبت ثابتی از ارتباط دینی را نشان می‌دهند. این برنامه‌های دینی ویژگی‌های یک دین را مشخص می‌کنند و منازعات درونی هر یک بر سر عقیده و کردار درست، اصالت و مرجعیت را از دیگر ادیان متمایز می‌سازد. خلاصه اینکه از منظر جامعه‌شناسی، دین برای حفظ مرزهای خود با دیگر نظام‌های اجتماعی و به‌طور خاص با شکل‌های سکولار معرفت و اخلاق، مدام در حال مذاکره اجتماعی است. همچنین یکی دیگر از ویژگی‌های نظام دینی، مذاکره جاری میان و درون برنامه‌های دینی متفاوت و متنوع است.

برای مشخص کردن مرز میان دین و غیر دین در بحث از جریان‌های دینی، دین را می‌توان یک نظام فرهنگی تام دانست. «خصلت ایجاد تعلق فکری و عاطفی در نظام‌های

فکری تام بسیار بیش‌تر است... نظام‌های فکری تام آن دسته از نظام‌هایی است که سه قلمرو فرهنگی متمایز را در بر می‌گیرند و پوشش می‌دهند: قلمرو شناختی، قلمرو هنجارین، و قلمروی ابرازی [یا عاطفی]... این نوع نظام‌های فکری در مقایسه با دست‌گاه‌های فلسفی و یا نظریه‌های علمی بسی بیشتر آدمی را به خود وابسته می‌سازند، زیرا آنها با هر سه ساحت وجود انسانی (شناختی=ذهنی=حقیقت، هنجاری=عمل=خیر، ابرازی=احساس=زیبایی) پیوند می‌خورند، در حالیکه نظام‌های فلسفی و یا نظریه‌های علمی بیش‌تر از نظر ذهنی ما را درگیر می‌سازند» (محدثی، ۱۳۹۱: ۴۹ و ۸۹).

## ۲-۱ معرفت و هویت

ابعاد سه‌گانه (شناختی، هنجاری و ابرازی) دین، مؤلفه‌های کلیدی معرفت/آگاهی، هویت و ارتباط میان آنها را نیز معنادار می‌سازد. در جریان‌شناسی، معرفت از جهت امتداد و تأثیر اجتماعی و فردی آن در آگاهی افراد محور توجه است. معرفت در بعد فردی، بر آگاهی‌ها، هنجارها و احساسات اثر می‌گذارد و هویت فردی را شکل می‌دهد. در بعد اجتماعی؛ هویت‌ها، احساسات و هنجارهای فردی به هویت‌های اجتماعی و احساسات و هنجارهای جمعی جهت داده گروه‌بندی‌ها و مرزهایی میان جماعت‌های مختلف در یک حوزه فرهنگی پدید می‌آورند. پس می‌توان گفت در جریان‌های معرفتی-دینی تنها (یا بیشتر) ابعادی از معرفت و آگاهی مد نظر هستند که در دو سطح فردی و اجتماعی دارای ابعاد، نشانه‌ها، نمادها و در کل دارای امتدادهای قابل بررسی باشند. تحلیل جریان‌شناسانه از آن جهت ممکن است پیچیده باشد که به بررسی اثرگذاری جریان‌ها بر افراد در سه سطح شناختی، هنجاری و ابرازی توجه داشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت با بررسی سوگیری‌ها و هویت‌های فردی و جمعی در یک جامعه می‌توان اثرگذاری معرفت و باور را سنجید. فهم هویت افراد در یک جامعه به درک عینی و ملموس معارف کلی و انتزاعی کمک می‌کند. میان هویت دینی و بافت و موقعیت مکانی ارتباط نزدیکی وجود دارد چون «اینکه کجا زاده شده‌ایم و با چه کسانی زندگی می‌کنیم تأثیر تعیین‌کننده غیرقابل‌قیاسی بر هویت دینی ما دارد» (زاکرم، ۱۳۹۴: ۷۸). اینجاست که به‌طور خاص باید مشخص شود چه رویداد و مسئله‌ی خاص در یک موقعیت زمانی و مکانی مشخص، گسترش و پذیرش

یک معرفت خاص را موجب شده است.

براساس تعریفی که از دین ارائه گردید<sup>۱</sup> مهم‌ترین ظرفیت و بلکه وجه متمایز دین از ایده‌ها و آگاهی‌های غیردینی (مثل علم و ایدئولوژی‌های سکولار) آن است که معارف دینی تأثیرگذاری عمیق‌تری بر ویژگی‌های هویتی، هنجاری و احساسی انسان دارند. به‌طور کلی بهترین و معنادارترین سطح اثرگذاری معارف دینی آن است که این معارف و ایده‌ها جهان‌بینی، نظام فکری، هنجارها و احساسات افراد یا به‌طور خلاصه ویژگی‌های درونی و فردی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. از این منظر است که جریان‌ها براساس تأثیراتی که بر مخاطب می‌گذارند قابل بررسی و دسته‌بندی هستند. این اثرگذاری گاهی تنها در سطح عقاید و افکار است.<sup>۲</sup> اما هنجارها، احساسات و ویژگی‌های مهم و حیاتی انسان همچون معنای زندگی و جهان‌بینی، ممکن است به شکل عمیق‌تری تحت تأثیر دین قرار گیرند. به‌طور کلی ذکر این نکته مهم است که باور و عقیده دینی لزوماً به هویت‌یابی و معنادار شدن زندگی منجر نمی‌گردد. ممکن است شخصی دین‌دار، باور داشته باشد؛ ولی زندگی خود را براساس آن باور سامان نداده باشد. اینجاست که توجه به اثرگذاری باور دینی در هویت افراد اهمیت دارد.

### ۳-۱ سطح تحلیل جریان‌ها (جریان‌شناسی) در عصر حاضر

حداقل از دو منظر می‌توانیم به جریان‌ها و گفت‌وگوهای معرفتی-دینی بپردازیم. یکی از طریق بررسی جریان‌ها در فضای سیاسی و توجه به روندها و ساختارهای حاکم بر این فضا و دیگری با بررسی جریان‌های معرفتی-دینی در فضای فرهنگی و تمرکز بر حوزه‌های متنوع تبادل معرفت و آگاهی. این بدان معنا نیست که با دو دسته متفاوت از جریان‌ها، یعنی جریان‌های سیاسی و جریان‌های فرهنگی مواجه هستیم؛ بلکه نوع رویکرد و سطح تحلیل مشخص می‌کند که کدام جنبه‌ها و ابعاد جریان‌ها را بررسی کنیم. اینجا فرض و ایده‌ی اصلی این است که رویکرد فرهنگی به جریان‌شناسی، با واقعیت‌های جهان معاصر سازگاری بیشتری دارد.

۱. برای آگاهی از تعریف دین، ر.ک: (۱-۱).

۲. چنان‌که در (۱-۱) مطرح شد، عقاید لزوماً هنجارها و ارزشها را نتیجه نمی‌دهند.



در این رویکرد سیاسی به جریان‌شناسی، بیشتر به مدیریت فرهنگی و اعمال قدرت از بالا تمرکز و توجه شده است، اما در رویکرد معرفتی - فرهنگی هدف اصلی به جای تضعیف گفتمان و جریان رقیب و مقابله‌ی سلبی با آن، شناسایی راه‌های تقویت گفتمان معرفتی - دینی به شکلی ایجابی است. از این منظر، جریان‌سازها با شناسایی نقاط قوت سنت دینی خود، در فضای کنونی رقابت شدید میان ایده‌ها و افکار، به راه‌هایی می‌اندیشند تا معارف دینی را برای توده‌ها فهم‌پذیر و معنادار سازند. مخاطبان جریان‌ها، یعنی توده‌ها، نیز با پذیرش یک جریان یا گفتمان معرفتی - دینی، به بسط و گسترش آن کمک می‌کنند چراکه ایده‌ها و معارف دینی آن جریان را در مقایسه با جریان‌های رقیب، برای معنا بخشیدن به زندگی و حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی قدرتمندتر می‌دانند. از منظر فرهنگی، معیار قدرتمندی یک جریان، توانایی‌اش در معنادار ساختن زندگی و هویت‌بخشی به افراد است. هریک از این دو رویکرد مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاصی دارند که در جدول (۱-۱) به آنها اشاره شده است. لازم به ذکر است که این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در دو سوی یک طیف در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. بنابراین هر رویکرد خاص در جریان‌شناسی ممکن است به یکی از این دو سمت میل کند و مؤلفه‌هایی سیاسی یا فرهنگی داشته باشد. بدیهی است که هریک از این دو نگاه در جای خود لازم و ضروری هستند اما اگر بر نهادی که متولی رویکرد فرهنگی است به‌طور غالب نگاه و رویکرد سیاسی حاکم باشد یا بالعکس؛ نتیجه‌ی مطلوب به دست نخواهد آمد. مجموعه‌ی شرایط ذیل، توجه به رویکرد فرهنگی نسبت به جریان‌شناسی را ضروری می‌سازد:

۱. توجه دوباره به دین، معنا و معنویت در عصر تحولات پساسکولار<sup>۱</sup> کنونی؛
۲. اهمیت بحث کارایی دین در حوزه عمومی و در رقابت با گفتمانهای سکولار؛
۳. توجه روزافزون ادیان مختلف به لزوم تقویت سنت‌های دینی برای حل بحران‌های انسان در عصر حاضر؛
۴. استقلال نسبی و منطق متفاوت حوزه فرهنگ نسبت به حوزه سیاست و اقتصاد<sup>۲</sup>؛

۱. برای آگاهی از شرایط پساسکولار بنگرید به (۲-۱).

۲. برای آگاهی از این استقلال نسبی و سازوکار متفاوت هر یک از این سطوح کارکردی جامعه، ر.ک: به (۲-۱).

۵. اهمیت عوامل مهم تمدن‌ساز و آینده‌پژوهی فرهنگی در رویکردهای فرهنگی؛
۶. محوریت معرفت و فرهنگ در برنامه‌های اصلی نهادهای علمی و فرهنگی.  
با توجه به شرایط یادشده، باید روش متمایز و مشخصی برای جریان‌شناسی ارائه کنیم.  
دین یک نظام فرهنگی تام است به گونه‌ای که از نظر شناختی، هنجاری و ابرازی، زندگی و حیات انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جریان‌شناسی‌های مختلف با پرداختن به هر یک از ابعاد شناختی، هنجاری و ابرازی جریان‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند.

جدول (۱-۱) مقایسه رویکردهای جغرافیایی-سیاسی و جغرافیایی-فرهنگی به جریان‌شناسی

شاخص‌های تمایز دو رویکرد	رویکرد جغرافیایی-سیاسی	رویکرد جغرافیایی-فرهنگی
نگاه و رویکرد کلی	از بالا به پایین	از پایین به بالا
هدف	مدیریت ذهن‌ها و توده‌ها	تقویت هویت‌های دینی توده‌ها
متولی اصلی	نهادهای سیاسی و دیپلماتیک	نهاد علمی، فرهنگی، پژوهشی، آموزشی
میدان رقابت جریان‌ها	میدان جنگ: یعنی میدان رقابت فیزیکی، کمی، ساختاری و رویارویی قوا و نیروهای ملموس اقتصادی و سیاسی	بازار ایده‌ها و معارف: یعنی میدان رقابت معرفتی بر سر اثربخشی، هویت‌دهی و معنابخشی
ابزار تقویت جریان‌ها	حمایت مالی و سیاسی	افزایش کارآیی، توان حل مسئله و معنابخشی
معیار توسعه	گسترش کمی و ساختاری	ارتقای کیفی و محتوایی
	محوریت کارآیی ساختار (تقویت یک سازمان، کشور، نهاد یا شخص اهمیت دارد)	محوریت تقویت هویت‌ها (اثربخشی فعالیت‌ها اهمیت دارد)
دیگری	جهان صریحاً به دارالکفر و دارالاسلام تقسیم می‌شود. دیگری برجسته و سیاسی است یعنی مرزهای میان خود و دیگری به شکلی صریح و برای مبارزه و حذف دیگری طراحی می‌شود.	به پیچیدگی‌ها و اختلاط‌های هویتی و فرهنگی در جهان معاصر توجه می‌شود. دیگری فرهنگی است و قدرت بیان برای تقویت خود تعیین‌کننده است.
معرفت-جامعه/ارزش-واقعیت (ابعاد مهم جریان‌ها)	در توجه به ایدئال‌ها و ارزش‌ها، واقعیت‌ها کمتر لحاظ می‌شوند؛ پس تجویز محوریت دارد.	برای تحقق ایدآل‌ها و ارزش‌های مطلوب به واقعیت‌ها و پیچیدگی‌های دین در عصر حاضر توجه می‌شود؛ پس توصیف و تحلیل مقدمه تجویز هستند.
نوع نگاه به دین، فرهنگ و تمدن	نمادها و معارف دینی، فرهنگی و تمدن‌ساز به شکل جدا از بافت و مسائل خاص اجتماعی، به شکلی جهان‌شمول اثربخش هستند	نمادها و معارف دینی، فرهنگی و تمدن‌ساز در بستر اجتماعی و در ارتباط با حوزه‌های دینی، فرهنگی و تمدنی رقیب و با تأکید بر نقش هویتی و معنابخش آنها بررسی می‌شوند.
مسائل و مفاهیم اصلی	امنیت، توان و نیروی نظامی، نزاع و ائتلاف.	جذابیت، تبادل و نفوذ فرهنگی و هویتی، مشابهت یا تفاوت در باورهای دینی
	پشتوانه‌های سیاسی و اقتصادی جریان‌ها، دیپلماسی عمومی، مدیریت، تهاجم و نفوذ فرهنگی.	دین در عرصه عمومی، فرهنگ و تمدن، عصر پاساسکولار، عصر بازگشت دین، بحران معنا و معنویت، تحولات و روندهای اجتماعی و فکری جوامع
	باور و معارف گزاره‌ای هستند بنابراین بیشتر بر انسجام و سازگاری درونی گزاره‌ها تأکید می‌شود.	معرفت در ارتباط و شبکه‌های معرفتی معنا می‌شود و اهمیت می‌یابد.

رویکرد جغرافیایی-فرهنگی	رویکرد جغرافیایی-سیاسی	شاخص‌های تمایز دو رویکرد
<p>جریان‌ها در فضای تبادل معرفتی (حوزه عمومی) قرار دارند پس حوزه جامعه‌شناسی (بین‌الملل) معرفت اهمیت دارد و ربط و نسبت جریان‌ها با بررسی مسائل مهم در حوزه عمومی مشترک آنها قابل بررسی است.</p>	<p>جریان‌ها در فضای بین‌الملل قرار دارند پس حوزه روابط و دیپلماسی بین‌الملل اهمیت دارد و بررسی ربط و نسبت جریان‌ها زیاد اهمیت ندارد چون یک جریان خاص باید تقویت یا تضعیف شود.</p>	<p>حوزه و سطح تحلیل جریان، باور و معرفت</p>
<p>فهم جریان‌ها به شناخت محیط پیچیده تبدلات فکری و فرهنگی در عرصه بین‌الملل یعنی به یک حوزه تحلیل مثل حوزه عمومی جهانی بستگی دارد.</p>	<p>جریان‌شناسی یعنی شناسایی رهبران فکری و مجموعه باورها، منابع مالی و سیاسی یک جریان خاص جدا از جریان‌های دیگر. با برشمردن دسته‌ای از مؤلفه‌ها و سرفصل‌ها به شکلی مکانیکی و صوری می‌توان جریان‌ها را تحلیل کرد.</p>	
<p>بین‌الملل فرهنگی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت و دین</p>	<p>بین‌الملل سیاسی در حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی</p>	<p>نوع نگاه به بین‌الملل</p>
<p>۱- آگاهی بخشی اسلام‌گرایان برای هدایت هویت‌های دینی در جهت تغییر اجتماعی؛                  ۲- رقابت شدید مسیحیت کاتولیک با علم تجربی برای ارائه درکی دینی از جهان؛                  ۳- کوشش ادیان برای نقش آفرینی جدی در فهم مسائل و مشکلات انسان در عصر پساکولار یا عصر بازگشت دین به حوزه عمومی.</p>	<p>۱- کنترل ناآرامی‌های تحولات بیداری اسلامی از سوی عربستان به کمک تزریق منابع مالی میان شهروندان؛                  ۲- حمایت مالی عربستان از داعش و افول این جریان سیاسی در پی قطع حمایت‌های مالی؛                  ۳- حمایت مالی و سیاسی امریکا و ابرقدرتها از افراط‌گرایی دینی در خاورمیانه؛                  ۴- ترور شخصیت‌های بانفوذ سیاسی و نظامی حزب‌الله به وسیله اسرائیل.</p>	<p>نمونه‌ها و مثال‌ها</p>

برای مثال، در یکی از آثار جریان‌شناسی (عظیمی، ۱۳۹۴)، با محوریت شخصیت‌های با نفوذ، نهادها و مراکز تأثیرگذار و باورها و عقاید فقهی و کلامی، دسته‌بندی‌هایی از جریان‌ها ارائه داده است. سپس در هریک از این دسته‌بندی‌ها، جنبه‌های مختلفی همچون موضع‌گیری در ارتباط با مسائل مختلفی مانند مشارکت سیاسی، جهاد، تکفیر، شیعه، انقلاب اسلامی، غرب و اسرائیل بررسی شده و به عوامل نفوذ آنها (بدنه جمعیتی متأثر، گستره تشکیلاتی، قدرت سیاسی، قدرت رسانه‌ای، قدرت مالی) پرداخته شده است. اما بدیهی است که در این شکل تقسیم‌بندی، سطح تحلیلی از منظر فرهنگی-جغرافیایی<sup>۱</sup> برای بررسی جریان‌ها وجود ندارد. اینکه صرفاً مجموعه‌ای از اطلاعات تحت عناوین کلی همچون جمعیت پیروان، منطقه و کشور تحت نفوذ و موضع‌گیری برخی از شخصیت‌های یک جریان نسبت به مسائل مختلف ارائه شود به هیچ وجه راهی نشان نمی‌دهد تا بتوانیم به صورت مسئله‌محور و راهبردی به جریان‌های معرفتی-دینی پردازیم؛ ارتباط میان جریان‌های مختلف در یک فضای گفتگومانی را روشن کنیم؛ نگاهی آینده‌پژوهانه نسبت به وضعیت فرهنگی هریک از جریان‌ها و اثرگذاری‌های آنها در سطوح مختلف اجتماعی به دست دهیم و نسبت هریک از جریان‌ها را با روندهای کلی و تحولات فرهنگی-اجتماعی در سطح بین‌الملل عصر حاضر مشخص کنیم. پس در ادامه می‌خواهیم ببینیم که براساس مدل متمایز این پژوهش، چه مؤلفه‌هایی را برای بررسی جریان‌ها باید در نظر بگیریم.

البته روشن است که یک مدل در سطوح مختلفی از انتزاع می‌تواند به بسترهای فرهنگی و روندهای حاکم پردازد. این سطح تحلیل ممکن است به صورت کلی تنها به روشی در بررسی جریان‌ها اشاره کند. مثل اینکه در بررسی جریان‌های معرفتی-دینی به یک رویکرد یا حوزه مشخص علمی همچون جامعه‌شناسی معرفت یا حوزه عمومی جهانی و بین‌الملل فرهنگی اشاره کنیم و ویژگی‌ها و مفاهیم آن رویکرد و سطح کلی تحلیل را برشماریم. از سوی دیگر، سطح تحلیل ممکن است بسیار جزئی باشد؛ به گونه‌ای که با در نظر گرفتن تمامی پویایی‌های معرفتی در تمامی مناطق فرهنگی جهان، تصویری جزئی‌تر اما بسیار

تفصیلی به دست دهد تا بتوانیم با چنین مدل تفصیلی، هر جریان معرفتی-دینی در هر حوزه فرهنگی جهان را بررسی کنیم. هر یک از این دو سطح تحلیل، با اشکالاتی همراه است. در سطح تحلیل نخست، شاخص‌هایی برای پرداختن به جریان‌های خردتر به دست نخواهد آمد و سطح تحلیل دوم که براساس استقرای تام جریان‌ها به دست می‌آید، اگر امکان‌پذیر و مفید باشد، با صرف زمان و هزینه‌ی زیاد محقق خواهد شد و حتی در آخر نمی‌توان با بررسی همه جریان‌ها و خصوصیات آنها به یک مدل جامع دست یافت که همه‌ی آن جریان‌ها را پوشش دهد.

برای گریز از اشکالات فوق و انتخاب راهی میانه باید نخست حوزه‌های نسبتاً متمایز فرهنگی در جهان معاصر معرفی شوند که هر یک مسائل و ویژگی‌های خاصی دارند و انسان‌شناسی، جهان‌بینی و معرفت‌شناسی متمایزی را شکل داده‌اند. دوم اینکه رویارویی دین‌داران با مسائل مشخصی در حوزه‌های فرهنگی-تمدنی مختلف در نظر گرفته شود. با ترکیب این دو بعد (بافت فرهنگی کلی و مسائل خاص پیش روی دین‌داران) می‌توان مطالعه‌ی جریان‌های معرفتی-دینی را محدودتر کرد. برای مثال، جریان‌های معرفتی-اسلامی متفاوت را می‌توان براساس نوع تعامل با گفتمان یا جریان سکولاریسم در اروپای غربی طبقه‌بندی و بررسی کرد. بحران هویت ملی، مشکل مهاجران و چگونگی تعامل با آنها، و معنا و معنویت، از مهم‌ترین مسائلی هستند که در این حوزه فرهنگی جریان دارد. همچنین دو شیوه برای بررسی جریان‌ها وجود دارد. در شیوه‌ی نخست بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های جزئی تک‌تک جریان‌ها تمرکز می‌شود؛ ولی در شیوه دیگر، فرض اصلی آن است که فهم ویژگی‌های هر یک از جریان‌ها جدا از شبکه ارتباط معرفتی میان جریان‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابراین در این روش، در یک سطح مشخص از تحلیل، ارتباط و تعامل جریان‌های معرفتی-دینی با یکدیگر و در نتیجه روندهای کلی حاکم بر جریان‌ها بررسی می‌شود. شیوه دوم با رویکرد فرهنگی-جغرافیایی این پژوهش همخوانی بیشتری دارد. با استفاده از مفاهیم حوزه جامعه‌شناسی جهانی معرفت و تمرکز ویژه بر ویژگی‌های دین در جامعه جهانی کنونی، ابزاری تحلیلی برای بررسی جریان‌ها در عرصه بین‌الملل فرهنگی به دست خواهد آمد. بدیهی است از منظر این مدل فرهنگی، سیر تحول و اثرگذاری یک

معرفت دینی خاص در بستر روندهای کلی حاکم بر آن بررسی خواهد شد.

معرفت و ایده در بسترهای اجتماعی و فرهنگی زاده و گسترده می‌شوند. مدل مورد نظر باید مشخص کند در عصر حاضر روندهای اجتماعی و فرهنگی کلان و خرد با محوریت نشر معرفت دینی کدامند. برای مثال، جریان‌های معرفتی در شبکه‌هایی معنایی قابل فهم و بررسی هستند. همچنین هر جریان معرفتی در سایه پاسخ‌گویی به چالش‌هایی قابل فهم است که جریان یا جریان‌های دیگر ایجاد کرده‌اند. با توجه به این ویژگی‌های خاص فضای معرفتی و فرهنگی، به نظر می‌رسد که جریان‌شناسی باید ابزارهایی را برای بررسی نظام‌مند جریان‌ها در یک فضا یا حوزه مشترک را در اختیار بگذارد. به طور کلی به نظر می‌رسد که اگر مجموعه‌ای از مفاهیم، ما را قادر سازد که برای بررسی جریان یا جریان‌ها، به پرسش‌های مشخصی پاسخ گوئیم، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای مناسبی برای بررسی جریان‌ها به دست آورده‌ایم. برخی از این پرسش‌ها از این قرارند:

- بافت فرهنگی - معرفتی خاصی که یک جریان در آن پدید آمده یا با گسترش دایره مخاطبان‌ش در آن محیط به حیات خود ادامه داده دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- یک جریان معرفتی - دینی در یک حوزه فرهنگی خاص در پی پاسخ‌گویی به کدام مسئله یا بحران مشخص است؟
- این جریان معرفتی - دینی در یک حوزه فرهنگی خاص در برابر کدام جریان/جریان‌ها قرار می‌گیرد، با آنها رقابت کرده و مرز خود را با آنها مشخص می‌کند؟
- مسائل مشخص و ویژگی‌های خاص (انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) حوزه فرهنگی که جریان یا جریان‌ها در آن قرار دارند کدامند و از نظر سطح و نوع، چگونه طبقه‌بندی می‌شوند؟

به‌طور کلی جریان‌شناسی معرفتی - دینی باید جریان‌ها را به گونه‌ای بررسی کند که:

۱. ربط و نسبت و سطح ارتباط میان جریان‌ها مشخص باشد؛
۲. سطح جریان به لحاظ اندیشه‌ای یا اجتماعی بودن آن مشخص شود؛
۳. ارتباط میان امتدادهای متفاوت اجتماعی جریان‌ها در بافت‌های فرهنگی متفاوت مشخص شود؛

۴. موقعیت یک جریان در حوزه عمومی بین‌الملل و جغرافیای معرفتی جهانی ترسیم شود؛  
۵. پویایی‌های اجتماعی و ارتباط جریان با ساختارهای خاص دینی، اجتماعی و سیاسی یک کشور یا محیط فرهنگی خاص روشن شود.

در نهایت جریان‌شناسی معرفتی-دینی به شیوه‌ای علمی، خصوصیتی صرفاً توصیفی ندارد بلکه هدفمند و در پی پاسخ‌گویی به نیازها و مسائل یک نهاد علمی-فرهنگی است چراکه هدف آن تقویت، بسط و گسترش یک جریان معرفتی-دینی مطلوب است. به بیان دیگر نوعی نگاه مسئله‌محور بر مطالعه جریان‌ها حاکم است. بعلاوه از آنجا که با معرفت مواجه هستیم، می‌توان گفت از این نگاه خاص، به‌طور کلی آنچه محور تقسیم‌بندی و بررسی جریان‌ها قرار دارد مسائل و موضوعات خاص هر یک از حوزه‌های خاص فرهنگی است. فرض اصلی این نگاه مسئله‌محور آن است که مطالعه‌ی توصیفی جریان‌ها با ذکر مشخصات و مؤلفه‌های آنها در یک دایره‌المعارف جامع، راهبردهای مشخصی برای برآورده شدن هدف خاص جریان‌شناسی را در اختیار نمی‌نهد، بنابراین به یک بستر و زمینه‌ی تحلیل جریان‌ها در عرصه بین‌الملل نیاز داریم.

ممکن است گفته شود که جریان‌شناسی در بهترین حالت وضعیت موجود را توصیف کرده و تحلیلی از روندهای آینده جریان‌ها و اوج یا افول معارف دینی در فرهنگ‌ها ارائه می‌دهد. اما مرحله‌ی بعد از جریان‌شناسی، طراحی ساز و کاری برای اثرگذاری معرفت دینی یا گفتمان مطلوب در بافت‌های خاص فرهنگی است. حوزه الهیات عملی در نتیجه تحولات کنونی دین و ورود آن به عرصه عمومی<sup>۱</sup> و برای پاسخگویی و رقابت در این حوزه به شکلی جدی شکل گرفته و برای آن نظریه‌پردازی شده است. «الهیات عملی به حوزه‌ای از مطالعات گفته می‌شود که در آن باورها، سنت‌ها و رفتارهای دینی با تجربیات، دغدغه‌ها و رفتارهای معاصر انسانی تلاقی کرده که حاصل آن ارتباط، غنای الهیاتی، نقد عملی و تحول فرهنگی است» (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در عصر حاضر به اثرگذاری دین در زندگی و حیات اجتماعی توجه خاصی صورت گرفته است به گونه‌ای که جریان‌های معرفتی-دینی از جهت تغییراتی که در جامعه ایجاد می‌کنند اهمیت دارند. از آنجا که مواجهه و رقابت با

۱. برای آگاهی از ویژگی‌های جدید دین و جریان‌های دینی در عرصه عمومی، ر.ک: به بخش دوم.



جریان‌های موجود به اصولی ایجابی نیاز دارد می‌توان گفت بدون برخورداری از یک مدل یا حداقل ایده‌ی کلی نسبت به الهیات عملی، بررسی و توصیف جریان‌های دینی لزوماً به احیاء و گسترش ایجابی معارف دینی نمی‌انجامد.

در ادامه به سطوح و ابزارهای مهم تحلیل جریان‌ها خواهیم پرداخت. فرض اصلی این است که این ابزارهای تحلیلی به شکل منطقی و نظام‌مند و از جنبه‌ای فرهنگی-جغرافیایی، مهم‌ترین جنبه‌ها، ویژگی‌ها، شاخصه‌ها یا مؤلفه‌های لازم برای بررسی جریان‌های معرفتی-دینی را در اختیار قرار می‌دهند. حوزه اصلی بررسی جریان‌های معرفتی-دینی، به‌طور خاص جامعه‌شناسی بین‌الملل معرفت و ایده است. این حوزه در دو سطح، چارچوب مناسبی برای جریان‌شناسی معرفتی-دینی در اختیار می‌نهد.

نخست در سطحی توصیفی، روندهای مهم جامعه جهانی و زمینه‌ی فرهنگی شکل‌گیری جریان‌های معرفتی-دینی بررسی می‌شوند. این سطح که در بخش دوم این مقاله به آن می‌پردازم، مفهوم مهم بین‌الملل فرهنگی یا «جامعه جهانی» و ابزارهای مهمی برای تحلیل جریان‌ها و روابط آنها در این فضا ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، سطح دوم که بیشتر تجویزی است، نظریه‌ها و ابزارهای مهمی برای بررسی یک جریان خاص فراهم می‌شود که در بخش سوم و تحت عنوان «تحلیل معرفتی-فرهنگی جریان‌ها» به آن خواهیم پرداخت.

## ۲. بین‌الملل فرهنگی معاصر

مفهوم کلی بین‌الملل فرهنگی به معنای وجود یک جامعه جهانی است که سطح و گستره حداکثری بررسی جریان‌های معرفتی-دینی را مشخص می‌کند. بنابراین، فضای بین‌الملل معاصر یک فضای ارتباطات فرهنگی-معرفتی است که ساختاری همچون یک جامعه دارد. این جامعه جهانی یک چارچوب کلی است که در قالب آن و با استفاده از مفاهیمی تحلیلی، ابزارهایی را برای فهم روندهای معرفتی به دست می‌آوریم. مفهوم جامعه جهانی لزوماً بر این فرض استوار نیست که جامعه‌ای یکپارچه از انسان‌ها و کنش‌گران شکل گرفته است. همچنین مفهوم جامعه جهانی بر این فرض استوار نیست که صاحبان قدرت جهانی‌سازی را اراده کرده‌اند و یا روندهای طبیعی جهانی شدن در عالم حاکم هستند؛ بلکه صرفاً مجموعه‌ای از شواهد نشان می‌دهند امروزه انسجام واحدهای دولت-ملت در نظام

بین‌الملل رو به کاهش و افول است،<sup>۱</sup> برخی از این شواهد از نظر کازانووا عبارتند از:

۱. روند گسترش ارتباطات، رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی؛
۲. موج پیوسته‌ی مهاجرت میان مرزهای دولت-ملت‌ها که موجب شده انواع شبکه‌های معرفتی-دینی فراملی گسترش یابند و
۳. شکل‌گیری ائتلاف‌ها و ارتباطاتی دینی که از مرزهای دولت-ملت عبور می‌کنند به گونه‌ای که اکنون در عصر بازگشت دین به عرصه عمومی<sup>۲</sup> قرار داریم (۴-۱، Casanova ۱۹۹۴).

با توجه به این تجدید ساختارها در حوزه روابط بین‌الملل، سطحی از تحلیل برای یک رویکرد فرهنگی-معرفتی به جریان‌ها ضرورت دارد که منطق، مناسبت‌ها و روابطی فراتر از نظام‌های دولت-ملت بر آن حاکم باشد. بنابراین، با در نظر گرفتن ساختاری اجتماعی که گفتمان‌ها و کنش‌های اجتماعی در سراسر جهان با یکدیگر تلاقی می‌کنند می‌توان گفت که در عصر حاضر در جامعه‌ای جهانی زندگی می‌کنیم. اما در جریان‌شناسی معرفتی-دینی با بخش خاصی از این جامعه جهانی سروکار داریم که مقولاتی همچون ایده، آگاهی، معرفت و فرهنگ، و انتقال و ارتباط آنها اهمیت دارد. لیکن این فضای بین‌الملل فرهنگی پیچیدگی‌هایی دارد که موجب می‌گردد مشخص کردن مرزها کار ساده‌ای نباشد.

در عصر تکثر معرفتی و فرهنگی حاضر، تعیین دقیق اینکه یک فرد مشخصاً تحت تأثیر کدام ایده است، کار ساده‌ای نیست. اگرچه با کمی بررسی و دقت می‌توان مشخص کرد که یک ایده در کدام کتاب و متن نوشتاری ثبت شده، یا (براساس نظریه بازنمایی اجتماعی) آن ایده در جامعه بازنمایی شده است. ایده‌های بسیاری در ذهن افراد وجود دارد و شرایط و

---

۱. البته بحث‌های آکادمیک در ارتباط با ریشه‌های جهانی شدن با روند شکل‌گیری جامعه جهانی که ارائه داده‌ام مشترکاتی دارند به گونه‌ای که پژوهش‌گران حوزه‌ی جهانی سازی از عبارت‌هایی همچون مرزدایی دولت (Albert ۲۰۰۰ and Brock)، پایان مرزبندی‌های سیاسی (Ruggie ۱۹۹۳) و عقب‌نشینی یا پس‌روی دولت (Strange ۱۹۹۶) استفاده کرده‌اند که همگی نشان می‌دهند واحدهایی در حال شکل‌گیری هستند که منطق نظام‌های دولت-ملت بر آنها حاکم نیست. در این پژوهش اما به ساز و کار جهانی شدن در این پژوهش‌ها نمی‌پردازیم و مفهوم جامعه جهانی به آن تحولات بستگی ندارد بلکه صرفاً با فرض گذر از نظام‌های سنتی دولت-ملت شکل‌گیری یک فضای گفتمانی و ارتباط جدیدی تصویر شده است که مناسبات خاصی بر آن حاکم است.

رویدادهای خاص اجتماعی سبب می‌شود که ایده‌ها نمود خاص اجتماعی یا عینیت و اهمیت بیابند. لیکن برای فهم مناسبات و روابط میان ایده‌های دینی به شکل ملموس‌تر لازم است به پویایی‌های خاص ارتباط جغرافیا و فرهنگ در جهان کنونی و خصوصیت فراملیتی و فرامنطقه‌ای معرفت و باور توجه کنیم؛ پویایی‌هایی که (خوب یا بد) حاصل رشد ارتباطات رسانه‌ای، اختلاط فرهنگی و جامعه موزاییکی و چندوجهی کنونی است.

حوزه عمومی عنوانی است که بستر مشخصی برای بحث در ارتباط با روند رشد، انتقال و ارتباط ایده‌ها و آگاهی‌ها فراهم می‌سازد. این حوزه در جامعه جهانی، که مبنای بستر تحلیل جریان‌ها در جهان است، تحولات معرفتی کنونی جهان را در خود جای داده و به این جهت، سمت و سوی روابط بین‌الملل در دوره جدیدی را نشان می‌دهد که از نظام دولت - ملت فاصله گرفته است. اکنون مرزهای فرهنگی و دینی را باید بیشتر مورد توجه قرارداد چراکه دین و فرهنگ و جریان‌های تمدین و فرهنگی از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کنند و اگرچه سیالیت و پویایی خاصی دارند اما این بدان معنا نیست که نتوان حداقل به صورت کلی مرزهای تمدنی و فرهنگی میان آنها را ترسیم کرد. حوزه عمومی ابعادی دارد که باعث می‌شود به مکان و موقعیت مشخص جغرافیایی، دیگری فرهنگی، ایده‌ها و افکار و در آخر به مناسبات سیاسی توجه داشته باشیم و لازم بدانیم که به صورت جدی به ارتباط فرهنگی، گفتگوی ادیان، پویایی‌ها و مرزبندی‌های هویتی، دین و دین‌داری توجه کنیم و به آنها حساس باشیم. نقطه تمرکز ما مشخصاً اثرگذاری دینی است و اینکه وقتی از معرفت و آگاهی دینی سخن به میان می‌آید، باید بتوانیم مرزبندی آن با حوزه‌هایی مثل دین، ایدئولوژی، اسطوره، فرهنگ و تمدن را مشخص کنیم یا حداقل وقتی از معرفت دینی سخن می‌گوییم، بدانیم که ممکن است عناصر و مشخصه‌هایی اسطوره‌ای و ایدئولوژیک در آن وجود داشته باشد.

با توجه به شواهد سه‌گانه عبور از مرزهای دولت-ملت در فضای بین‌الملل فرهنگی، فضایی کلی و انتزاعی تحت عنوان جامعه جهانی تصویر می‌شود و ابزارهایی برای تحلیل به دست می‌آید که براساس مفاهیم و منطق خاص حاکم بر این فضا، امکان تحلیل اوج و افول جریان‌های معرفتی - دینی مختلف در بافت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی را در اختیار قرار

می‌دهند. از میان این ابزارها دو ابزار مهم به‌طور خاص به کار تحلیل جریان‌های معرفتی - دینی می‌آید:

۱. کارکردهای سه‌گانه جامعه جهانی که بر مبنای آن، سه کارکرد مجزا و مهم جامعه یعنی اقتصاد، سیاست و معرفت مشخص و از یکدیگر متمایز می‌شوند؛
۲. دوگانه‌ی سنت و مدرنیته که وضعیت هر یک از کارکردهای سه‌گانه جامعه جهانی را براساس تحولات خاص اجتماعی روشن می‌کند.

### ۱-۲. کارکردهای سه‌گانه جامعه بین‌الملل فرهنگی

واحد اصلی بررسی جریان‌ها جامعه است. در جامعه عنصر اصلی گروه است. اما سطح و نوع گروه‌بندی‌های جامعه در طول تاریخ متفاوت بوده است. زمانی این گروه در سطح دولت-روستاها، دولت-شهرها تعریف شده‌اند و اکنون در قالب دولت-ملت‌ها. در هر جامعه‌ای کسانی که به یک گروه متعلق هستند، برای اینکه این گروه پابرجا بماند، باید مجموعه‌ی خاصی از کارکردهای اولیه را برای خود، و برای گروه به عنوان یک کل، برآورده سازند تا گروه به حیات خود ادامه دهد. نوربرت الیاس برای تحلیل بهتر روندهای جامعه، دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی را با توجه به سه «کارکرد اولیه» تحلیل کرده است که برای درک ما از جامعه اهمیت دارند:

کارکرد اقتصادی تأمین ابزارهای مادی زندگی: یکی از عناصر یا کارکردهای جهان‌شمول گروه‌های انسانی، فراهم ساختن غذا و دیگر احتیاجات مادی زندگی است. این کارکرد، از منظر ارتباط میان تمدن‌ها (گروه‌ها) با سطح جغرافیایی-اقتصادی<sup>۱</sup> مرتبط است که در آن رشد، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و وابستگی اهمیت دارند.

کارکرد سیاسی کنترل و مدیریت ابزارهای نیروی فیزیکی: کنترل خشونت یا به‌طور کلی‌تر کارکرد مدیریت نزاع و ستیزه از دو جنبه، یکی کنترل خشونت درون یک گروه و دیگری کنترل خشونت میان گروه‌های مختلف. این کارکرد، از منظر ارتباط میان تمدن‌ها (گروه‌ها) با سطح جغرافیایی-سیاسی<sup>۲</sup> مرتبط است که مهم‌ترین مسئله در آن امنیت، توان و

۱. Geoeconomic

۲. Geopolitic

نیروی نظامی، نزاع و ائتلاف است.

کارکرد سوگیری، انتقال و انتشار معرفت و آگاهی: در جهت حفظ انسجام و یکپارچگی یک جامعه یا گروه، هدایت و یا کنترل جریان‌های مختلف معرفتی صورت می‌گیرد. این کارکرد، از منظر ارتباط میان تمدن‌ها (گروه‌ها) با سطح جغرافیایی-فرهنگی<sup>۱</sup> ارتباط دارد که مهم‌ترین مسائل در آن، جذابیت (اعتبار و شهرت)، تبادل، نفوذ فرهنگی و هویتی و مشابهت یا تفاوت در باورهای دینی هستند (Elias ۱۹۸۷, ۲۲۷-۲۳۲).

این سه کارکرد اولیه که به شکل معناداری از یکدیگر مستقل هستند مفاهیمی جهان‌شمول را در بر دارند که ویژگی‌های مشترک تمامی جوامع را نشان می‌دهند. می‌توان گفت این‌ها نقاطی کلی و انتزاعی در یک واقعیت متغیر تاریخی هستند (Ibid.). در اینجا اما بر کارکرد سوم یعنی معرفت تمرکز می‌کنم که برای فهم خصوصیات جریان‌های معرفتی دینی بر بستری جغرافیایی-فرهنگی<sup>۲</sup> اهمیت ویژه‌ای دارد. در بیان اهمیت و کارکرد معرفت در جوامع انسانی همین نکته بس که نمی‌توان یک گروه بدون معرفت را تصور کرد که از نسل‌های پیشین هیچ دانشی به آن منتقل نشده است. این نشان می‌دهد که گروه‌های انسانی که بدون غذا و حفاظت در برابر خشونت فیزیکی دوام نمی‌آورند بدون دانش هم نمی‌توانند زندگی کنند.

اما نکته مهم این است که اگرچه همه جوامع باید بستری برای این کارکردها فراهم کنند اما راه‌های خاصی که استفاده می‌کنند، تحت تأثیر تغییر دائم تاریخی قرار دارند و از سوی دیگر هریک از این حوزه‌های کارکردی، سطوح و ابزارهای خاصی را می‌طلبند. به بیان دیگر، هریک از این کارکردها روندهای خاصی را در جامعه جهانی طی کرده‌اند و نظریه‌های مختلفی برای بیان وضعیت آنها در عصر حاضر شکل گرفته است. برای مثال ساختار دولت-ملت مدرن، تنها یک شکل خاص تاریخی است که از طریق آن، کارکرد سیاسی کنترل خشونت در یک دوره مشخصی از زمان حاصل شده است. در ادامه به مهم‌ترین مفاهیم و نظریه‌هایی توجه خواهد شد که به‌طور خاص تحول دین، معرفت و

---

۱. Geocultural

۲. Geocultural

فرهنگ و وضعیت معاصر آن در جامعه جهانی معاصر را تصویر می‌کنند.

## ۲-۲. دوگانه سنت و مدرنیته

یکی از تغییرات مهم اجتماعی در جهان معاصر، تحت عنوان «مدرنیزاسیون» یا «روند تغییر وضعیت سنت به مدرن» مطرح شده است. در آغاز و پیش از تعریف اجمالی این روند، لازم به ذکر است که مدرنیته یک روند اجتماعی خنثی است؛ ولی ایده‌های خاص امپریالیستی آنرا با غربی‌سازی و سکولاریسم پیوند داده است. بنابراین، مدرنیته در اصل و لزوماً یک قرائت یکپارچه، تام و تمام و منطبق بر فرهنگ غرب نیست. از این رو، وضعیت خاص فرهنگی جهان معاصر بسیاری از نظریه‌پردازان را هم‌نوا با نظریه‌ی مدرنیته‌های چندگانه ساخته که بر مبنای آن، فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت و با خوانش سنت فرهنگی-دینی خود به مدرنیته پاسخ گفته‌اند (Eisenstadt ۲۰۰۰a, ۱). همچنین مفاهیم مدرن از دین، روند تاریخی پیچیده‌ای تحت عنوان سکولاریزاسیون را برای وضعیت دین در عصر حاضر تصویر کرده‌اند. در نسخه ساده‌انگارانه این ایده، نظریه سکولاریزاسیون با ایده مدرنیزاسیون مساوی دانسته شده است به گونه‌ای که دین و مدرنیته تقابلی ذاتی با یکدیگر دارند (Preyer ۲۰۱۵, ۹). اما بسیاری از نظریه‌پردازان این فرض که «مدرنیته ذاتاً سکولار است» را نقد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

پس یکی از ابزارهای تحلیلی مهم برای درک ماهیت جریان‌های معرفتی-دینی در جامعه جهانی معاصر، تمایز میان سنت و مدرنیته است. جامعه مدرن در تقابل صریح با جامعه سنتی است. در جامعه سنتی افراد به‌طور مستقیم با یکدیگر در ارتباط بودند و جماعت‌های محلی را سامان می‌دادند. مدرنیته عبارتست از حرکت مداوم از یک بافت اجتماعی برخوردار از روابط شخصی مستقیم و رودررو به وحدتی اجتماعی که از واسطه‌های ارتباطی تشکیل شده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در عصر حاضر، این تحول خاص هر

۱. با این موضوع، ر. ک:

Casanova, José (۱۹۹۴) *Public Religions in the Modern World*; Juergensmeyer, Mark (۲۰۰۳) *Terror in the Mind of God: The Global Rise of Religious Violence*; Scott, Thomas (۲۰۰۵) *The Global Resurgence of Religion and the Transformation of International Relations*.

سه سطح کارکردی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است به گونه‌ای که: توسعه‌ی اقتصادی سبب شد تولید مواد و کالاهای فیزیکی در جامعه به تولیدات تجاری و مالی برای بازار سرمایه تغییر شکل یابد.

از منظر سیاسی، نهادهای دولت مدرن کاربرد قدرت را در انحصار گرفتند و به این شکل جایگزین واحدهای سنتی سیاسی شدند که بر اقتدار سنتی بنا شده بود و خویشاوندی، تبار یا دین به آنها مشروعیت می‌بخشید.

از منظر فرهنگی و معرفتی نیز، مدرنیزاسیون به معنای ایجاد یک نظم نمادین است که در آن قواعد، مفاهیم و هنجارهای علمی، عقلانی یا سکولار، نسبت به دوران سنت به شکل رقیبی جدی برای جهان‌بینی‌های دینی و اسطوره‌ای جهان سنتی ظاهر شده‌اند.

با توجه به اهمیت تحول سوم در پژوهش حاضر، لازم است وضعیت کنونی معرفت در جهان معاصر را در بستر تحول دوره‌های پیشامدرن - مدرن - پسامدرن در نظر بگیریم. به‌طور خاص، تحول معرفت دینی در روند تغییر سنت به مدرنیته و ارتباط دین و غیر دین در عصر حاضر نیازمند بررسی و توجه خاصی است، چراکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای ترسیم ویژگی خاص جریان‌های معرفتی-دینی و تمایز آنها مثلاً از ایده‌های فلسفی، علمی، ایدئولوژیک، فرهنگی یا صرفاً سیاسی، بررسی تقابل میان دین و غیر دین است. بدیهی است که از زوایای متفاوتی می‌توان به سه دوره یا تفکر پیشامدرن، مدرن و پسامدرن پرداخت. اما از آنجا که این پژوهش بررسی جریان‌های معرفتی-دینی، ارتباط آنها با محیط‌های خاص جغرافیایی، و تغییر معنا و هویت در عصر حاضر محور قرار داده، برای ارائه تصویری از این دوره‌های فکری، بر تغییر و دگرگونی معرفت دینی در هریک از این دوره‌ها تمرکز می‌شود:

پیش از دوران مدرن. در این دوران جهان، جان‌دار و خداوند یا امر متعالی در همه‌جا حضور داشت. در این دوران، امر متعالی محور عقلانیت بود و امور دیگر در یک طرح و تدبیر الهی قرار داشتند (۱۲۵۴-۱۲۵۳، ۲۰۰۶، du Toit).

دوران مدرن. انسان مدرن وجود و واقعیت امور فراطبیعی را انکار می‌کند، زیرا از نظر انسان مدرن این امور با منطق، عقل و علم قابل اثبات نیستند. برای نخستین بار شکاف میان امر دینی

و امر غیر دینی و در نتیجه سکولاریسم در این دوران پدید آمد (Ibid, ۱۲۵۵).

پس از دوران مدرن، در عصر حاضر به‌طور گسترده روشن شده است که دین، ارزش و معنا مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر هویت انسانی هستند و برای ادامه حیات به آنها نیاز است. عبور از دوران مدرن از رهگذر بازنگری در پیش‌فرض‌های مدرنیته امکان‌پذیر شد. روایت‌های حاکم بر دوران مدرن مثل سکولاریزاسیون، در دوران معاصر مورد بازبینی قرار گرفت (Ibid, ۱۲۵۸).

چنان‌که در بحث از شکل‌گیری جامعه جهانی مطرح گردید، مجموعه‌ی شرایط پس از دوران مدرن، ویژگی‌های خاصی را برای معرفت دینی رقم زده است. نخست آنکه اکنون از جامعه پساسکولار سخن گفته می‌شود یعنی جامعه‌ای که در آن دین‌داری به شکل‌های مختلف در عرصه عمومی و خصوصی انسان نمایان شده است. ما شاهد آن هستیم که ادیان و جریان‌های دینی بیشتر عقلانی، عملی، علمی، این‌جهانی و ناظر به مسائل و مشکلات اجتماعی شده‌اند. میزان اثرگذاری هر یک از گفتمان‌ها یا جریان‌های معرفتی-دینی در حوزه عمومی در دوران مدرن مورد بحث جدی قرار گرفته است. رقابت کنونی بر سر میزان نتیجه بخشی در عرصه عمومی است و از باورهای انتزاعی و اعتقادات آیینی صرف فاصله گرفته شده است. در عصر حاضر دین و دین‌داری شرایط خاصی یافته است و به‌طور خلاصه می‌توان گفت دین از ویژگی ارتباطی برخوردار شده است. برخلاف دوران مدرن، در عصر حاضر نشانه‌هایی از ورود دین به عرصه عمومی و نقش‌آفرینی ارزشهای دینی در مدیریت هویت‌ها و کنش‌های اجتماعی مشاهده می‌شود.

نکته دوم، چالش جدی میان دین و غیردین است. به‌طور خلاصه براساس دوگانه سنت و مدرنیته و تأثیر آن در معرفت دینی در عصر حاضر، چالش و تضاد میان امر دینی و غیر دینی یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود است که پاسخ‌گویی ادیان مختلف به آن معیاری برای دسته‌بندی مواضع و جریان‌های معرفتی-دینی به دست می‌دهد. از آنجا که براساس تعریف دین، این نظام فرهنگی نمادین می‌خواهد با استفاده از نمادهای فرهنگی جامعه‌ای که در آن قرار دارد به بازتولید تجربه‌ی دینی پرداخته و تقدس مورد نظر خود را به همه چیز سرایت دهد، همواره به رقابت با غیر دین می‌پردازد. تمایز بین دین و غیر دین یکی از مهم‌ترین



عناصر در تعیین جهان‌بینی و هویت‌بخشی به انسان در عصر حاضر است. مثلاً گاهی یک مسلمان در غرب برای تقویت هویت دینی خود باید با جهان‌بینی و ارزش‌های هویت‌ساز مدرنیته غربی مقابله کند و گاهی در کشورهای اسلامی به شکلی خفیف یا حتی شدید در جهت هویت‌دهی و معنابخشی تقابل‌هایی میان جریان‌های دینی صورت می‌گیرد.

دین در دنیای معاصر یک شکل خاص و به نسبت مستقل از ارتباط و تعامل اجتماعی با امر متعالی است. تمایز میان امر متعالی و این جهانی به شکلی نظام‌مند، تمایز میان نظام دین جهانی و محیط‌های خاص فرهنگی آنرا مشخص می‌کند. سطح اثرگذاری فرهنگی را می‌توان از سطح تمدنی تا سطح خردتر محلی و خرده‌فرهنگ‌ها بررسی کرد. با توجه به این سطوح مختلف نیز معیاری برای دسته‌بندی جریان‌ها و اولویت‌بندی بررسی آنها به دست می‌آید. به نظر می‌رسد تحلیل در سطح جامعه جهانی و با مفهوم حوزه عمومی، بستر مناسبی برای تحلیل معرفتی جریان‌ها در اختیار می‌گذارد تا بتوان از مشکلات سطوح تحلیل همچون فرهنگ و تمدن که ربط مستقیم کمتری با معرفت دارند اجتناب کنیم.

با توجه به واقعیت‌های تاریخی و تبادلات تفکر و معرفت در تاریخ، یک سری کانون‌های مسلط فکری و تمدنی می‌توانیم تشخیص دهیم که به‌طور عمده اسلام، مسیحیت، کنفوسیوس، بودیسم و هندوئیسم هستند. این کانون‌های فکری در طول تاریخ با شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی متمرکز حول شهرها و مراکز مهم شکل گرفته‌اند. به‌طور کلی در این پژوهش مقصود از تمدن، بزرگترین واحد هویت‌بخش فرهنگی است. تمدن‌ها به واسطه ترسیم روابط متفاوت میان امکانات مادی و معرفتی از یکدیگر متمایز می‌شوند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که برای ترسیم الگوی بررسی جریان‌های معرفتی - دینی، به دست آوردن مرز و ربط و نسبت میان این جریان‌ها نیز اهمیت دارد. در سطوح مختلفی می‌توان مرز میان جریان‌ها را تعیین کرد. کلان‌ترین سطح، سطح تمدنی است. جدی‌ترین و روشن‌ترین رویارویی‌ها نیز در این سطح رخ می‌دهد و به گونه‌ای در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. برای مثال، به لحاظ تاریخی تمدن هندو و بودا و همچنین تمدن اسلامی و غربی در برابر یکدیگر مرزبندی‌های روشن و مشخصی داشته‌اند.

مسائلی فرهنگی همچون هویت، سنت‌های دینی، زبان، رفتارهای ارتباطی، شیوه‌های

تعارض و حتی در سطحی پایین‌تر، همچون انتخاب غذا و پوشش، همگی از مسائلی فرهنگی به شمار می‌روند. باورهای مردمان به واسطه دیدگاه‌های فرهنگی‌شان هدایت می‌شود. فرهنگ قواعدی برای زندگی و عمل در جامعه است. به بیان دیگر، فرهنگ قواعدی را برای بازی زندگی ارائه می‌دهد.

در این شکل از تعامل واقعی میان افراد دارای نظام‌های متفاوت فرهنگی، نظام‌های دینی نیز که بخشی از فرهنگ هستند شکلی عملی‌تر به خود می‌گیرند. در این تکثر فرهنگی، تأثیرگذاری دین بر ارزشها و شکل‌دهی به چارچوب‌هایی برای رهایی از بلا تکلیفی و هویت و معنادگی اهمیت دارد. از سوی دیگر، معرفت دینی بخش مهم و تعیین‌کننده دین برای تأثیرگذاری بر ارزش‌ها و هویت‌های فردی و اجتماعی است. به این ترتیب ارتباط میان فرهنگ، دین و معرفت دینی را می‌توان در یک پیوستار کلی به جزئی درک کرد.

در مطالعات بین‌المللی که نظام دولت-ملت بر آن حاکم است و از دیدگاه جغرافیای سیاسی به مسائل نگریسته می‌شود حوزه بررسی به سطوح محلی، ملی، بین‌المللی، فرامللی و جهانی تقسیم می‌شود. در این سطوح تحلیل، دولت-ملت‌ها به عنوان کانون ارتباطات در نظر گرفته می‌شوند. لیکن سطوح تحلیل در تبادلات فرهنگی و اثرگذاری‌های معرفتی بسیار پیچیده‌تر است چراکه ایده‌ها و معارف از جمله معارف دینی مرزهای مرسوم سیاسی دولت-ملت را در می‌نوردند. جریان‌های معرفتی-دینی مختلف براساس حوزه‌های عمومی متفاوتی که آنها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد طبقه‌بندی می‌شوند. مسائل مشترک میان جریان‌ها در حوزه‌های عمومی متفاوت مبنای مهمی برای تعیین ربط و نسبت جریان‌ها با یکدیگر هستند. حوزه عمومی جهانی بالاترین سطح ارتباط میان جریان‌های مختلف هستند و مسائل و موضوعات دارای گستردگی بیشتری را در خود جای می‌دهند. در سطوح خردتر می‌توان در حوزه‌های فرهنگی مختلف جریان‌ها را در حوزه‌های عمومی متفاوتی بررسی کرد.

در ادامه خواهیم دید که با توجه به تصویری که از جامعه جهانی ارائه گردید جریان‌های معرفتی - دینی در حوزه عمومی جهانی به گونه‌ای دسته‌بندی می‌شوند که معیار و منطق آن، معرفت و مسائل معرفتی است و نه ائتلاف‌های سیاسی میان دولت-

ملت‌ها بر سر قدرت.

### ۳. تحلیل معرفتی - فرهنگی جریان‌ها (سرفصل‌های جریان‌شناسی با رویکرد جغرافیایی - فرهنگی)

در بخش پایانی این مقاله، لازم است براساس مفاهیم و واقعیت‌های موجود در بستر جریان‌های معرفتی - دینی، مؤلفه‌ها یا سرفصل‌هایی برای تحلیل آنها نیز معرفی شود. «سرفصل» به معنای جعبه‌ابزاری مفهومی است که برای توجه به جنبه‌های مختلف یک جریان معرفتی - دینی به کار می‌رود. چنین سرفصل‌هایی کمک می‌کند که یک جریان از دو جنبه درونی و بیرونی بررسی شود. یک جریان معرفتی - دینی از نگاه بیرونی در کنار جریان‌های مشابه دیگر و در یک بستر مشترک اجتماعی بررسی می‌شود. از نظر درونی نیز بیشتر به ویژگی‌های منحصر بفرد جریان‌ها و سیر تکوین تاریخی و ابعاد اجتماعی آن توجه می‌شود.

نکته مهم آن است که در با محوریت مفاهیم جغرافیایی - فرهنگی، معرفت و آگاهی در کانون همه‌ی سرفصل‌ها قرار دارد. جریان‌شناسی با نگاه فرهنگی بر جنبه‌ی معرفتی و ارتباط و نسبت معرفت با موقعیت‌های خاص محلی و جهانی تأکید می‌کند.<sup>۱</sup> معیار اصلی برای تفکیک و طبقه‌بندی جریان‌ها (= جنبه بیرونی) و فهم پویایی‌های هر یک از جریان‌ها (= جنبه درونی) یک معیار معرفتی است، یعنی مسائل و موضوعاتی که جریان‌ها برای پاسخ‌گویی به آنها سامان یافته‌اند. جامعه جهانی و به‌طور خاص تر «حوزه عمومی جهانی»، یک ابزار و بستر تحلیل در اختیار قرار می‌دهد. حوزه عمومی جهانی در حیطه‌ی جامعه‌شناسی جهانی معرفت بررسی می‌شود. مفهوم جامعه جهانی<sup>۲</sup> یک چارچوب کلی جامعه‌شناسی کلان در اختیار می‌گذارد. یک ابزار خاص تر تحلیلی نیز لازم است که با حوزه عمومی جهانی به دست می‌آید.

حوزه عمومی جهانی یک مکان و موقعیت اجتماعی است که شامل شبکه‌ای از نظم‌های گفتمانی آگاهی، اعمال و کنش‌های اجتماعی، و روابط قدرت است. هابرماس

۱. برای آگاهی از تمایز میان نگاه سیاسی و فرهنگی - معرفتی، ن.ک: جدول (۱)

۲. برای آگاهی از مفهوم «جامعه جهانی» و اهمیت آن در مدل مطلوب جریان‌شناسی ن.ک: جدول (۲)

هم از حوزه عمومی نام می‌برد؛ ولی تعریف ما از حوزه عمومی با تعریف آن متفاوت است. هابرماس به جنبه‌های هنجاری و سیاست‌های لیبرال دموکراسی و نقش حوزه عمومی برای کنترل و تنظیم رفتار دولت توجه می‌کند و دیگر اینکه یک نگاه جهانی و بین‌الملل ندارد (Habermas ۲۰۰۶). رویکرد جغرافیایی-فرهنگی این پژوهش فراتر از مرزهای ملی و در بافت روابط قدرت در سطح بین‌المللی فرهنگی یعنی در یک بُعد جهانی به حوزه عمومی می‌نگرد.

هابرماس در ارتباط با حوزه عمومی دیدگاهی محدود به مرزهای دولت ملت دارد. از این منظر، حوزه عمومی بعنوان یک عرصه اجتماعی جهانی در بافت محلی، ملی و بین‌المللی روابط قدرت ظاهر شد که این بستر خاص اثرات عمیقی بر ساختار ارتباط آن گذاشت (Ibid.). اما در این جا حوزه عمومی صرفاً بعنوان یک مقوله تحلیلی است و حوزه عمومی جهانی یک صحنه اجتماعی است که بخش‌بندی‌های سیاسی (دولت‌ها) و فرهنگی (ادیان، گروه‌های قومی و موقعیت‌های محلی) جامعه جهانی را در بر می‌گیرد و از آنها عبور می‌کند. از این منظر، حوزه عمومی مرزهای جامعه جهانی را در بر می‌نوردد. این مفهوم، یکپارچگی جامعه در یک ارتباط چندبعدی میان فرهنگ‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد.

این صحنه اجتماعی دو صورت و بعد متمایز دارد. از یکسو این صحنه اجتماعی مبنایی شناختی و عرصه‌ای عملیاتی برای تعاملات گفتمانی است که ارتباطات را در موضوعات مختلفی در طول مرزهای تاریخی و اجتماعی تسهیل می‌کند. از سوی دیگر حوزه عمومی جهانی عرصه تعامل اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم با تکنولوژی ارتباطی و حضور فیزیکی است که تعاملات، سازمان‌ها و جنبش‌های زودگذر و ثابت‌تر اجتماعی را شکل می‌دهد.

به‌طور کلی برای بررسی جریان‌های معرفتی-دینی، به یک حوزه میان‌رشته‌ای جامعه‌شناسی بین‌الملل معرفت دینی نیاز داریم که در این حوزه میان‌رشته‌ای، بستر و سطح تحلیل جریان‌ها، «حوزه عمومی جهانی» نام دارد. با توجه به نفس و ماهیت جریان‌های معرفتی-دینی که ایده‌ها و افکار هستند، از نظر شناختی، هنجاری و احساسی مخاطبان و هویت‌های آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

حوزه عمومی جهانی، بستری است برای تعامل میان جریان‌ها بر سر مسائل مشخص و

مهم در هر حوزه گفتمانی. بنابراین علاوه بر هویت و دیگری یکی دیگر از معیارهای بررسی جریان‌ها، مسائل و موضوعات خاص حوزه‌های عمومی هستند که جریان‌های معرفتی - دینی با توجه به نوع خاص موضع‌گیری و نگرش نسبت به این مسائل از یکدیگر تفکیک می‌شوند. نکته مهم اینکه یک جریان با توجه به دایره مسائلی که به آنها پاسخ می‌دهد، در سطوح مختلف حوزه عمومی قرار می‌گیرد. برای مثال، جریان‌های دینی درون جهان اسلام با پاسخ‌گویی به مسائل جهانی، در سطح حوزه عمومی گستره‌تری قرار می‌گیرند؛ ولی در یک بررسی درون‌تمدنی، در یک حوزه عمومی خاص‌تری قرار می‌گیرند که پاسخ به مسائل خاص درون این حوزه عمومی وجه متمایز این جریان‌هاست.

مفهوم حوزه عمومی جهانی از یک سو به یک واقعیت در حال شکل‌گیری اشاره می‌کند که بخشی جدایی‌ناپذیر از جهانی شدن است. از سوی دیگر حوزه عمومی جهانی یک ابزار تحلیلی است که سطوح مشخصی برای مشاهده در اختیار می‌نهد. با این دو سطح تحلیل متمایز می‌توانیم روندهای همسان‌سازی را به پدیده‌ی جهانی شدن و روندهای متفاوت‌سازی فرهنگی را به برنامه‌های فرهنگی متنوع مرتبط کنیم. در نظر گرفتن هم‌زمان روندهای همسان‌سازی و متفاوت‌سازی در تحلیل‌ها باعث می‌شود که وجود مشترک و متمایز جریان‌های معرفتی - دینی را مورد توجه قرار دهیم. بعلاوه با مفهوم‌سازی حوزه عمومی جهانی در چهار سطح تحلیل، این امکان فراهم شود که تحلیل‌های کلان جامعه‌شناختی را با دیدگاه‌های خردجامعه‌شناختی نسبت به کنش‌های فردی و زندگی‌نامه‌های فردی تلفیق شود.

موضع‌گیری و ایده‌ها و افکار هر یک از جریان‌ها باید نسبت به طبقه‌ی مشخص و معناداری از امور مورد توجه قرار گیرد تا دیگری و خودی را مشخص کند. برای مثال جریان‌ها در جهان اسلام نسبت به ایده‌هایی همچون مدرنیته، حقوق بشر و غیره که در حوزه تمدنی غرب قرار دارد، نقاط اشتراکی دارند. برای گریز از مشکلات مطالعات پیشین جریان‌شناسی، جریان‌ها را باید در بستر خاصی همچون حوزه عمومی جهانی و در چندین سطح مختلف از تحلیل، بررسی کرد. چنان‌که مطرح شد، بزرگترین سطح تحلیل، تمدنی است؛ اما در این سطح، معیارها و ابزارهای تحلیلی مناسبی برای بررسی و تحلیل جریان‌ها

به دست نمی‌آید.

از منظری تحلیلی برای پرداختن به پیچیدگی این حوزه عمومی جهانی چهار سطح متفاوت مشاهده را از یکدیگر تفکیک می‌کنیم که از سطحی بسیار کلی و انتزاعی به سطحی بسیار انضمامی و عینی قرار گرفته‌اند. این چهار سطح تنها بعنوان مقوله‌هایی تحلیلی قابل تمایز از یکدیگر هستند و شبکه‌ی الگوهای گفتمانی و اجتماعی در حوزه عمومی، ماهیتی کلی‌تر دارد؛ به گونه‌ای که این چهار سطح تحلیل جریان معرفتی - دینی، دائماً با یکدیگر تداخل می‌کنند:

#### ۱. ایده‌های معرفتی کلی و کلان:

کلی‌ترین، کلان‌ترین و انتزاعی‌ترین سطح حوزه عمومی جهانی، در قالب ایده‌های معرفتی کلی قابل بررسی هستند که به باقی ایده‌ها و مفاهیم در یک جریان کلی معرفتی جهت می‌دهند. برای مثال، ایده بسیار کلی انسان‌محوری را می‌توان در پس بسیاری از خرده‌جریان‌های معرفتی غرب مشاهده کرد. هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، مهم‌ترین ایده‌های معرفتی کلی هستند.

#### ۲. موضوعات و مسائل کلی:

هریک از جریان‌های معرفتی - دینی به مسائل و مفاهیمی واکنش نشان می‌دهند و به این صورت از دیگر جریان‌ها متمایز می‌شوند. برای مثال، ارتباط میان دولت و دین، اعتبار امر وحیانی در برابر معرفت علمی، وضعیت فرد در برابر جامعه، یا رقابت میان اصول اخلاقی دینی و هنجارها و قوانین عرفی، از جمله مسائل بسیار مهم هستند.

#### ۳. برنامه‌های متفاوت و مختلف فرهنگی:

کنش‌گران اجتماعی برای اینکه انواع مسائل جامعه را قابل فهم و انتقال کنند، باید آنها را در بافت‌های اخلاقی، روایی، نمادی و زبانی خود قرار دهند. معنا هم به واسطه تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد و هم در قالب الگوهای فرهنگی با دوام‌تر که از پیش موجود هستند. انسان‌ها مسائل و مشکلات جامعه و موضوعات جامعه را از طریق تصورات اجتماعی که از نظر فرهنگی خاص هستند، تصور می‌کنند.

#### ۴. تعامل اجتماعی افراد:

در سطح چهارم، انضمامی‌ترین ابزار تحلیل جریان‌ها یعنی کنش‌گران اجتماعی قرار دارند. این کنش‌گران به دو دسته‌ی مهم نخبگان (یا سطح معرفتی متولیان، افراد تأثیرگذار، جریان‌سازها) و دین‌داران (یا سطح آگاهی عامه مردم و هویت‌های دینی) تقسیم می‌شوند. باورها و ایده‌های کلی و حتی برنامه‌های مشخص فرهنگی تنها از طریق برقراری ارتباط میان افراد معنادار می‌شوند. از این‌رو معارف دینی شاخص اصلی یک جریان نیست؛ بلکه محیط پویای اجتماعی و فرهنگی و مسائل خاصی که افراد در حوزه‌های خردتر عمومی با آن مواجه هستند، زمینه را برای فهم و تفسیر ایده‌های کلی فراهم می‌کنند.

جدول ۲: خلاصه‌ی سرفصل‌های بررسی جریان‌های معرفتی-دینی در بین الملل فرهنگی معاصر (بخش روشن جدول)

۱	۲	۳	۴	۵	۶
سطوح کارکردی جامعه جهانی	شاخص‌های کارکردی	سطح تبادلات کارکردی	دوگانه‌های مهم کارکردی	واحدهای خرد تحلیل	مورد/مسئله/جریان/شخص
فرهنگ	معرفت: جذابیت، شهرت، شباهت، افتراق و تبادل معرفتی: نگاه به انسان و جهان (انتزاعی)	ایده‌های کلان	نزاع (تمدنی/ فرهنگی/ دینی) گفتگو (تمدنی/ فرهنگی/ دینی)	اسلام/ غرب، مسیحیت/ هندوئیسم /کنفوسیوس/ بودیسم	اسلام و غرب/ اسلام و مسیحیت/ اسلام و هندوئیسم/ اسلام و کنفوسیوس/ اسلام و بودیسم
		موضوعات و مسائل کلی	سنت/ مدرنیته؛ نص/ عقل	سنت‌گرایی مدرسی نص‌گرایی سلفی سلفیه سیاسی تصوف اصلاح طلبی سلفی اصلاح طلبی لیبرال	دیوبندی، بریلوی، طالبان، جماعت تبلیغ اهل حدیث، اخباریون حزب التحریر، المهاجرون شاذلی، قادری، نقشبندی، تیجانی اسدآبادی، اقبال، شریعی، مودودی اسلام لیبرال، آتانورک
	آگاهی: مسائل خاص و هویت‌های اجتماعی (انضمامی)	برنامه‌های خاص فرهنگی (الهیات عملی)	دستورالعمل‌های همسان‌ساز/ دستورالعمل‌های متفاوت‌ساز	مسائل خاص فرهنگی و منطقه‌ای	گفتگو و تعامل ادیان؛ زنان؛ جنگ و صلح؛ حقوق‌بشر؛ اقلیت‌ها؛ محیط‌زیست؛ سکولاریزم؛ خشونت؛ جامعه، عرف و قانون؛ دین در جامعه و زندگی؛ انسان معاصر؛ آسیب‌های اجتماعی؛ معناداری و بی‌معنایی؛ هویت؛ دیگری و اخلاق.
	سطح خرد تعامل اجتماعی	ساختار/ کارگزار	اثرگذاری شناختی/ هنجاری/ احساسی نخبگان اثرپذیری شناختی/ هنجاری/ احساسی هویت‌ها	تأثیر احساسی/ هنجاری شریعی بر شیعیان اندونزی تأثیر معرفتی مقام معظم رهبری بر جوانان اروپا اثرپذیری هنجاری پاکستانی‌های لندن از طارق جمیل اثرپذیری معرفتی شیعیان امریکا از خوجه‌های هند	
سیاست	انتلافها، گروه‌بندی‌ها، نزاع‌ها	دولت-ملت، منطقه‌ای، جهانی	نزاع/ انتلاف	سوگیری‌های سیاسی	حمایت سیاسی یک دولت از یک جریان انتلاف سیاسی دو حزب در یک کشور
	انتلافها، گروه‌بندی‌ها، نزاع‌ها				حمایت یک جریان از یک شخص مخالفت یک جریان با یک شخص
اقتصاد	مبادلات، منابع و وابستگی‌های مالی	ملی، منطقه‌ای، جهانی	رقابت/ شراکت	سوگیری‌های اقتصادی	حمایت مالی منطقه‌ای یک دولت از یک جریان تحریم اقتصادی جهانی یک جریان
	حمایت، توزیع و سازماندهی منابع				حمایت مالی یک جریان از یک شخص رقابت مالی میان گروه‌های داخلی یک جریان



### خلاصه و نتیجه

هدف اصلی این مقاله معرفتی رویکردی فرهنگی-جغرافیایی به جریان‌شناسی معرفتی-دینی در عصر حاضر بود. مجموعه مطالعات و سیر بحث نشان می‌دهد که جریان‌شناسی فعالیتی میان‌رشته‌ای است که حوزه‌های مختلف دین‌پژوهی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، مطالعات بین‌الملل و مطالعات فرهنگی را درگیر می‌کند. با توجه به پیچیدگی محیط‌های جغرافیایی-فرهنگی که بستر فهم جریان‌ها هستند، شناختن ابعاد معرفتی جریان‌ها در فرهنگ‌ها و بافت‌های متنوع با مؤلفه‌هایی صوری و بدون در نظر گرفتن بافت کلی جهانی، منطقه‌ای و محلی امکان‌پذیر نخواهد بود. در عوض باید یک جریان معرفتی-دینی را در سطوح مشخص معرفتی و با رویکردی جغرافیایی-فرهنگی تحلیل و بررسی کرد. به نظر می‌رسد مفاهیم و سرفصل‌های مهمی که با چینش کلی به جزئی ارائه گردید، تمامی جنبه‌های مهم یک جریان معرفتی-دینی را پوشش می‌دهند.

این پژوهش نشان می‌دهد که در عصر حاضر، با توجه به نیازهای انسان معاصر به دین و رقابت شدید میان جریان‌های مختلف معرفتی برای عرض اندام در حوزه گفتگو و تعامل فرهنگی و اجتماعی، تحلیل دقیق سوگیری‌های معرفتی جریان‌ها ضرورت دارد. این ایده براساس این فرض اساسی بنا نهاده شده است که می‌توان جامعه (بستر شکل‌گیری و رشد جریان‌ها) را از سطوح متمایز و مستقل کارکردی، یعنی از سطح سیاست، اقتصاد و معرفت بررسی کرد. بنابراین، یک جریان را می‌توان صرفاً از منظر معرفتی تحلیل و بررسی کرد (جدول ۲).

سوگیری‌های معرفتی در سطحی کلی و نخبگانی، بر آگاهی و هویت افراد اثر می‌گذارند و نمونه‌های عینی و مشخصی از خود بروز می‌دهند. برای شناسایی سوگیری‌های معرفتی مهم و ابعاد اجتماعی آنها، یک رویکرد خاص معرفتی معرفی شد تا با بهره‌گیری از حوزه‌های مختلف علمی، درکی از پویایی‌های معرفتی انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف حاصل گردد. اما باید توجه کرد که این پژوهش خود مطالعه‌ی مشخص و عینی جریان‌شناسانه نیست بلکه مطالعه‌ای برای ارائه‌ی چارچوبی مفهومی جهت مطالعه جریان‌ها در سطح بین‌الملل است. بدیهی است که نگارنده در اینجا کوشیده است صرفاً

خطوط کلی، شرایط اجتماعی جهان معاصر و وضعیت معرفت دینی در عصر حاضر را تشریح کند و ابزارها و سطوح مشخصی از تحلیل را برای جریان‌شناس معرفتی-دینی در عصر حاضر را ارائه نماید. این ابزارها و سرفصل‌ها به‌طور خلاصه در جدول ۲ قابل مشاهده هستند.

## فهرست منابع

۱. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). "درآمدی بر الهیات عملی در اندیشه مدرن"، در مجله نقد و نظر، شماره ۶۱، صص ۱۳۵-۱۰۹.
۲. بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷). روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، نشر فرزاد، تهران.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی-سیاسی ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
۴. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). جریان‌های فکری ایران معاصر، انتشارات وثوق: تهران.
۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها: تبیین و تحلیل جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی (ص) و علوی (ع)، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، قم.
۶. زاکرمن، فیل (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر حکمت، تهران.
۷. شعبانی، رمضان (۱۳۸۹). جریان‌شناسی سیاسی-فرهنگی ایران، نشر اعتدال، قم.
۸. عظیمی، حمید و دیگران (۱۳۹۴). اطلس رهبران: تصویری از صحنه‌ی رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت، دفتر نشر معارف، قم.
۹. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۸). رهیافتی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر. مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
۱۱. محدثی گیلوایی، حسن (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی دین: روایتی ایرانی، انتشارات یادآوران، تهران.
۱۲. میرسلیم، سید مصطفی (۱۳۸۶). جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، انتشارات باز، تهران.
۱۳. نصری عبدالله (۱۳۹۴). گفتمان مدرنیت: نگاهی به برخی جریان‌های فکری معاصر ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۴. وحدت، فرزین (۱۳۸۲). رویارویی فکری ایران با مدرنیت، نشر ققنوس، تهران.

## منابع انگلیسی:

۱۵. Albert, Mathias and Lothar Brock (۲۰۰۰) "Debordering the World of States: New Spaces in International Relations" In *Civilizing World Politics. Society and Community Beyond the State*, edited by Mathias Albert, Lothar Brock and Klaus Dieter Wolf, ۱۹-۴۴. Boston, MA: Rowman and Littlefield.
۱۶. Casanova, José (۱۹۹۴) *Public Religions in the Modern World*, USA, Chicago: University of Chicago Press.

۱۷. du Toit, Cornel W. (۲۰۰۶) "Secular Spirituality versus Secular Dualism: Towards Postsecular Holism as Model for a Natural Theology". HTS Theologiese Studies / Theological Studies; Vol ۶۲, No ۴. pp ۱۲۵۱-۱۲۶۸.
۱۸. Eisenstadt, Shmuel N. (۲۰۰۰a) "Multiple Modernities", *Daedalus* ۱۲۹: ۱-۲۹.
۱۹. Elias, Norbert (۱۹۸۷) "The Retreat of Sociologists into the Present", In *Theory, Culture & Society*, Vol. ۴, ۲۲۳-۴۷.
۲۰. Habermas, Jürgen (۲۰۰۶) 'Religion in the public sphere' in *European Journal of Philosophy*, ۱۴: ۱-۲۵.
۲۱. Juergensmeyer, Mark (۲۰۰۳) *Terror in the Mind of God: The Global Rise of Religious Violence*, Berkeley and London: University of California Press.
۲۲. Preyer, Gerhard & Michael Sussman (eds.) (۲۰۱۵) *Varieties of Multiple Modernities: New Research Design*. Leiden, Germany, Brill.
۲۳. Ruggie, John G. ۱۹۹۳. *Territoriality and Beyond: Problematizing Modernity in International Relations*. *International Organization* ۴۷(۱): ۱۳۹-۱۴۷.
۲۴. Strange, Susan. ۱۹۹۶. *The Retreat of the State: The Diffusion of Power in the World Economy*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۵. Thomas, Scott M. (۲۰۰۵) *The Global Resurgence of Religion and the Transformation of International Relations: The Struggle for the Soul of the Twenty-First Century*. USA, New York: Palgrave Macmillan.